



# جهانی که به جای شنیدن به فکر تصاحب است

گفت و گوی  
صبا با عوامل  
نمایش  
«قبیله‌ها»

نمایش قبیله‌ها نوشته «نینا رین» که این روزها به کارگردانی محمد عبداللہی در سالن نوفل لوشاتو روی صحنه می‌رود به بحث عدم ارتباط و چهار چوب‌هایی که هویت فردی را نشانه می‌روند پرداخته است. در این نمایش بازیگران نام آشنایی مانند علی باقری، اصغر پیران، صفورا خوش طینت، ساناز طاری و... به ایفای نقش می‌پردازند. در ادامه گپ و

مریم عظیمی  
گفت و گو



گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.



عکس: محمدصادق زرچویان

نداشته، یا طوری طراحی شده باشد که بازیگر مقابل، آن را به گونه‌ای دیگر منتقل کند. برخی چیزها از خود متن می‌آیند، برخی دیگر از اجرا و بیان، که البته آن هم شاید دارای اختلال باشد، اما این اختلال عمدی است. می‌خواستیم مخاطب تلاش کند برای شنیدن، دقت بیشتری داشته باشد و اینکه با سرعت و بی‌توجه از کنار اتفاقات قصه رد نشود.

**بازی‌ها در نقش پسر کوچک‌تر داستان و نامزدش که هر دو به نوعی ناشنوا هستند بسیار قابل توجه است. تمرین با بازیگران این نقش‌ها چطور انجام شد؟ آیا تمریناتشان جداگانه بود؟**

این دوستان هم‌زمان با تمرینات معلم زبان اشاره داشتند. وقتی بخش درخوانی کار تمام شد، مصطفی فاضلی انرژی مضاعفی گذاشت و در همان بازه‌ای که ما با دیگر بازیگران تمرین داشتیم، آن‌ها هم در فضایی دیگر، زیر نظر استادان زبان اشاره که توسط کانون ناشنوایان به ما معرفی شده بودند، در حال تمرین بودند. یکی از مسائلی که ما روی آن تاکید داشتیم این بود که برای این دو نقش بازنمایی نکنیم در حالیکه می‌توانستیم فردی ناشنوا یا کسی که مانند کاراکتر سیلویا در ابتدا شنوا بوده و رفته رفته ناشنوا شده، پیدا کنیم و یک بازنمایی از روی آنها انجام دهیم در عوض ما می‌خواستیم نسبت به کدهایی که خود متن می‌داد این دو شخصیت را خلق کنیم.

**در بحث تهیه کار با چه کسانی همکاری کردید؟**

آقای مهدی سهرابی از دوستان بنده هستند و واقعاً لطف بزرگی به من کردند و بدون هیچ گونه چون و چرا، هیچ دخالت، فیلتر یا سؤالی، پذیرفتند که این کار را انجام دهند. یک سرمایه‌گذار هم داریم که دوست ندارند نامی از ایشان برده شود، اما واقعاً حمایت مالی زیادی کردند و بسیار لطف داشتند.

دکورهای دوطبقه یا خانه‌هایی با بازنمایی کامل بودند اما چون ما با متن (تکست) برخورد مستقیم داشتیم ناخودآگاه ما را به سمت یک فضای مینیمالیستی می‌کرد، پیرو این امر من از آقای جعفری فقط یک میز خواستم. آقای جعفری ابتدا با این سادگی مخالفت کردند و پیشنهاد دادند که خودتان طراحی کنید. اما پس از گفت‌وگوهای بیشتر، من به ایشان گفتم که این نیاز اجرایی ماست، فقط خواهش من این است که شما با اضافه کردن جزئیاتی، طراحی را بر عهده بگیرید تا امضای خودتان نیز در کار باقی بماند. در نهایت، ایشان با افزودن پارچه و پرده‌ای که از انتهای صحنه به روی میز و دیگر عناصر بصری کشیده شده، فضایی ساختند که با حال‌وهوای بسته و یک‌شکل خانواده در نمایشنامه هم‌خوانی داشت.

**یکی از مضامین پررنگ اثر «عدم ارتباط» است. آیا این عدم ارتباط باید تا حدی می‌بود که تماشاگر هم وارد همین وضعیت بشود؟ یعنی گسست ارتباطی که در داستان هست، به نوعی باعث گسست ارتباطی میان اثر و مخاطب هم بشود؟**

من بیشتر دوست داشتم که تلاشی از سمت مخاطب برای شنیدن و فهمیدن صورت گیرد و نمی‌خواستیم همه چیز را در سینی به مخاطب تقدیم کنیم. برای من مهم بود که مخاطب برای شنیدن تلاش کند چون مقوله‌ی اصلی این نمایشنامه «نشیدن» است. به نظر می‌رسد که در زندگی روزمره، خیلی چیزها برایمان عادی شده و دیگر آن‌ها را نمی‌شنویم و به نوعی حرف همدیگر را نمی‌فهمیم. اما وقتی پشت شنیدن، تلاشی باشد، آن‌وقت درک آن اتفاق به درستی شکل می‌گیرد و در این راستا همه چیز خیلی دقیق و حساب شده طراحی شده است تا هر چیزی که مخاطب باید بفهمد را به نوعی بفهمد حال اگر جایی تکستی وجود ندارد، ممکن است آن دیالوگ خاص اهمیت زیادی

**یعنی تمرکزتان بیشتر بر قصه بوده است؟**

بله، تمرکز ما بیشتر بر خود داستان بود. چون نمایشنامه لایه‌های متعددی دارد و شما می‌توانید تحلیل‌های بسیاری بر اساس آن ارائه دهید و آن را به زمینه‌های مختلفی از جمله سیاسی، اجتماعی و خانوادگی ربط بدهید. این لایه‌مندی آن قدر گسترده بود که نیازی نمی‌دیدیم بخواهیم وارد مباحثی بشویم که ممکن بود چندان با جامعه یا فرهنگ ما هم‌خوانی نداشته باشد.

**درباره دکور که از همان ابتدا هم از لحاظ ابعاد و هم نوع متریال بسیار چشمگیر بود، برایمان بگویید.**

ما در ابتدا برای دکور در صحبت‌هایی که با آقای جعفری، طراح صحنه و مشاور کار، آقای امیر بهاور داشتیم، مکان‌های نمایشنامه را از یکدیگر تفکیک کردیم و دیدیم بیشتر اتفاقاتی که برای خانواده در نمایشنامه می‌افتد، در فضای عمومی خانه یعنی پذیرایی و ناهارخوری است و در کنار آن، یک فضای خصوصی‌تر هم وجود دارد، مانند آشپزخانه، که شب‌ها گفت‌وگوهای در آن شکل می‌گیرد می‌کنند و دیگری هم خانه سیلویا بود. سلیقه من در اجرا که شاید بتوان آنرا امضای کارم نامید، این است که بازیگران را در صحنه زیاد حرکت نمی‌دهم و ترجیح می‌دهم و سعی می‌کنم ایستا باشند. بنابراین وقتی مکان‌ها را از هم جدا کردیم و به دو مکان رسیدیم، متوجه شدیم، برخلاف اجراهایی که پیش‌تر از این نمایشنامه رفته و خیلی تجملاتی بودند و با بازنمایی کامل یک خانه، کتابخانه، میلمان مجزا، و آشپزخانه پیش رفته بودند، می‌توانیم اجرا را با یک میز ناهارخوری برگزار کنیم. در مراحل بعدی متوجه شدم که پایان نیز می‌تواند عنصری مهم باشد، هم از نظر بصری و هم از نظر میزانشن، در جلسات چهارم و پنجم آقای جعفری اغلب طرح‌هایی را ارائه دادند که شامل



محمد عبداللہی  
کارگردان:

مهم بود که مخاطب  
برای شنیدن تلاش کند

آیا نخستین بار است که این نمایشنامه در ایران اجرا می‌شود؟

بله. این نمایشنامه سال ۲۰۱۰ نوشته شده و از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ در اروپا اجراهای متعددی داشته، اما در ایران تاکنون روی صحنه نرفته بود.

**لطفاً از نقطه‌ی آغازین برخوردتان با متن و اینکه چطور شد برای اجرا انتخابش کردید، بگویید.**

صادقانه بخواهم بگویم، دنبال یک متن «قلدر» برای اجرا می‌گشتم. بخصوص که پیشتر نمایشنامه مخزن از جلال تهرانی را کرده بودم و طبیعتاً وسواس خاصی نسبت به اینکه متن بعدی داشتم. من متنی می‌خواستیم که از لحاظ لایه‌مندی و ساختار، قوی‌تر باشد. در نهایت طی حدود دو سال به چند گزینه رسیدم و از میان آن‌ها، این نمایشنامه از نظر اجرایی، فرمی و امکاناتی که برای اجرا می‌داد، قوی‌تر و مناسب‌تر بود و به همین علت انتخابش کردم.

**این نمایشنامه بر پایه نظریات ژاک لکان نوشته شده، یعنی پایه‌ای روان‌شناختی دارد. نگاه شما به این بُعد نمایشنامه چه بود؟**

حقیقتش ما زیاد وارد این مقوله نشدیم و در همان حدی که به شناختی کلی از این نظریه برسیم و متوجه کدهایی که در متن وجود داشت شویم، کفایت می‌کرد